

مجله علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)  
سال چهارم، شماره دوم، (پیاپی ۱۳)، تابستان ۱۳۹۳  
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۲  
صص: ۱۷-۳۶

## بررسی نقش دانش بومی در حل اختلافات با تأکید بر نقش معتمدان محلی (مطالعه موردی: دهستان بنجار)

حمید حیدری مکرر<sup>۱</sup>، خورشید هدایتی امین<sup>۲\*</sup>

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل

### چکیده

دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قومی است که باورها، ارزش‌ها و آگاهی‌های محلی و دانش اجتماعی آن‌ها را در بر می‌گیرد. در این راستا بزرگان هر قوم و قبیله نقش مهمی در حل اختلافات روستائیان با توجه به دانشی که در زمینه‌های اجتماعی محل سکونت خود دارند می‌توانند داشته باشند. هدف از این پژوهش بررسی نقش دانش بومی در حل اختلافات محلی با تأکید بر نقش معتمدان محلی با استفاده از مدل PRA می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است که برای جمع‌آوری اطلاعات از روش میدانی (پرسشنامه‌ای) نیز استفاده شده است. جامعه آماری ۱۹۱۵ خانوار و حجم جامعه نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۲۰ خانوار انتخاب شده است. داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روایی و پایایی تحقیق نیز ۰/۲۲۳ می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول بر اساس فراوانی مشاهده شده در آزمون خی دو نشان دهنده آن است که از بین الگوهای حل اختلاف، مردم برای حل اختلافات خود بیشتر به معتمدان محلی مراجعه می‌کنند. نتایج آزمون نیز نشان می‌دهد که مقدار p.value کوچک‌تر از  $(a=0/01)$  است بنابراین فرض  $H_0$  رد و فرضیه اول تأیید می‌گردد. نتایج آزمون ضریب همبستگی برای فرضیه دوم نیز حاکی از این است که توجه به اینکه سطح معناداری متغیرهای پایگاه اجتماعی معتمدان محلی و حل اختلاف کمتر از ۰/۵ (۰/۲۲۰) است، نتیجه می‌گیریم که بین پایگاه اجتماعی معتمدان محلی و حل اختلافات در نواحی روستایی رابطه معناداری وجود بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد. بنابراین، مردم روستاهای دهستان بنجار به دلیل طایفه‌گرایی و این که این شیوه حل اختلاف سال‌های طولانی است

که در روستاها اجرا می‌شود و جزء فرهنگ این منطقه است و همچنین آشنا نبودن روستاییان با فرهنگ کاغذبازی دادگاه معمولاً ترجیح می‌دهند که اختلافات خود را به این شیوه حل کنند و دنبال کشش اختلافات نباشند.

**واژگان کلیدی:** دانش بومی، مدل PRA، حل اختلاف، معتمدان محلی، دهستان بنجار.

## مقدمه

دانش بومی برخواسته از متن جوامع بشری در طول دوران و سده‌های طولانی است که به شکل شفایی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و حاصل تجارب و آزمون و خطاهایی بوده که در بستر طبیعی پدید آمده است و ریشه در باورها و ایستارهای مردم دارد. دانش بومی، دانشی محلی است؛ دانشی که در ایجاد فرهنگ و جامعه منحصر به فرد است. این دانش اصطلاحاً به دانشی اطلاق می‌شود که از حوزه جغرافیایی خاصی سرچشمه گرفته و به طور طبیعی تولید شده باشد. اما معرفت روستاییان از طریق دانش حوزه جغرافیایی خارج از روستا نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۴). دانش مذکور بخشی از سرمایه‌های ملی هر قوم است که باورها و ارزش‌ها، روش‌ها، ابزار و آگاهی‌های محلی آنان را در بر می‌گیرد. این دانش سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل شده و نسل بعدی نیز آن را متکامل‌تر کرده و به فرزندان خود انتقال داده است. دانش بومی به سرعت در حال نابودی است. با مرگ هر پیر بومی، گنجینه عظیمی از دانش شفاهی نیز همراه با آن روی در نقاب خاک می‌کشد. این منابع غنی دانش با سرعتی غیر قابل تصور در حال از بین رفتن هستند (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۳۴).

امروزه اهمیت دانش بومی در کلیه فعالیت‌های بشری کاملاً مشخص شده است. جامعه روستایی یک واحد کل است اما، جامعه به عنوان یک کل متشکل از گروه‌های مختلفی است تا اینکه بهتر و راحت‌تر به اهداف خود برسد. افراد تشکیل‌دهنده آن دارای ادراک‌های مشترک و پیوندهای عاطفی و وابستگی‌های متقابل و نقش‌های اجتماعی می‌باشند که این امر آنان را بیش از پیش به یکدیگر وابسته می‌کند و نوعی وحدت و یکپارچگی را در میان آنان تشدید می‌نماید که البته تنها با داشتن گروه‌های مختلف امکان حیات پیدا نمی‌کند (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۸: ۳). در مناطق روستایی استفاده از روش کدخدا منشی برای حل اختلافات از کارایی بیشتری برخوردار است. فقدان نهادهای رسمی حل اختلاف در روستاها و اهمیت نقش معتمدان محلی سبب شده که روستاییان برای حل اختلافاتشان به روش قدیمی حل و فصل اختلافات (ریش سفیدی) روی بیاورند. بنابراین ریش سفیدی و کدخدا منشی برای حل نزاع‌ها و اختلافات حتی پیش از شکل‌گیری دولت و سازمان قضایی امری معمول و متداول بوده است. سابقه و قدمت بیشتری از شیوه رسمی و دولتی حل اختلاف دارد. عامه مردم با اعتماد و اطمینان در مقام صلح‌جویی و مسالمت‌دعوی خود را به داوری نزد آنان می‌بردند و با علاقه و احترام خاص به احکامشان گردن می‌نهادند، ویژگی‌هایی چون وجود اعتماد بین اعضای جامعه روستایی، همبستگی موجود بین آنان و ضرورت پابندی به آن، ارجحیت هم‌نوایی و هم‌رنگی، همگی زمینه‌های ظهور و پایداری نقش ریش سفیدی و کدخدا منشی را در جامعه روستایی ایران که اساس آن مبتنی بر نظام ایلی و قومی می‌باشد فراهم نموده است؛ لذا حضور مداوم روستاییان در عرصه مشارکت اجتماعی ناشی از تلاش آنان برای حفظ گروه، قوم، قبیله و حفظ موجودیت و حریم مادی و معنوی و انسجام اعضای آن می‌باشد. نیازهای زیربنایی چون حفظ امنیت روستا، قوم و قبیله، امور

مربوط به کشاورزی و دامداری که ادامه حیات روستا وابسته به آن است، محدودیت‌های محیطی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) سبب تقویت انگیزه‌های افراد برای این‌گونه مشارکت‌ها و نقش ریش‌سفیدی و کدخدا منشی در حل اختلافات شده است (حیدری مکرر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱).

با توجه به اینکه هدف اصلی حل اختلافات به شیوه محلی، برقراری صلح و سازش بین دو طرف دعوا و راضی شدن آن دو نسبت به فیصله نزاع است، ضرورت و اهمیت بحث پیرامون حل اختلافات به شیوه محلی بیشتر می‌گردد. زیرا این هدف در صورتی تحقق پیدا می‌کند که فرهنگ مشورت، مصالحه و سازش در میان مردم به وجود آید از گذشته بر روابط مدنی مردم و حل و فصل اختلافات آن‌ها روش‌های مختلفی حاکم بوده که در صدر آن‌ها استفاده از روحیه ایثار و صلح و سازش قرار داشته که این روحیه با آموزه‌های مذهبی و محلی تعمیق گردیده است (رهگشا، ۱۳۸۲: ۲۰).

### ضرورت و اهمیت تحقیق

شکل‌گیری جامعه مدنی و دموکراسی نوین تا آنجا که به زندگی مربوط می‌شود تحقق خود را در مجموعه نهادهایی می‌یابد که با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه و کشور شکل یافته باشند و به واسطه آن‌ها به مردم حق انتخاب، تصمیم‌گیری و نیز حق ابتکار و خلاقیت داده شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۶۳). ۳۵. فاصله زیاد مناطق روستایی دهستان بنجار از مرکز شهر، پایین بودن سطح سواد و آگاهی روستاییان نسبت به قوانین و امور قضایی، ماهیت نسبتاً ساده اکثر اختلافات روستایی و لزوم حل و رفع سریع آن‌ها، هزینه‌های زیاد دادرسی، سبب انجام این پژوهش شده است.

### اهداف تحقیق

#### هدف اصلی

بررسی نقش دانش بومی در حل اختلافات با تأکید بر نقش معتمدان محلی با استفاده از مدل PRA در دهستان بنجار می‌باشد.

#### اهداف فرعی

- بررسی میزان تأثیر معتمدان محلی در حل اختلافات در مناطق روستایی
- بررسی میزان انسجام و حل اختلافات
- بررسی نوع اختلافات در سطح روستاها
- بررسی میزان اعتماد مردم به همدیگر در مناطق روستایی

### پیشینه تحقیق

در مجلات و کنفرانس‌های داخل کشور مطالعات و پژوهش‌های زیادی در رابطه با دانش بومی صورت گرفته است اما در زمینه نقش دانش بومی در حل اختلافات در مناطق روستایی تحقیقی انجام نشده است.

تاریخ دانش بومی، همزمان با تمدن بشری است و این دانش قبل از دوره رنسانس مورد توجه جامعه علمی قرار گرفته بود اما گسترش آن به ویژه پژوهش‌های بین‌المللی در زمینه دانش بومی به اوایل قرن بیستم باز می‌گردد. از پیشگامان تحقیقات علمی دانش بومی، می‌توان به پزشکان و گیاه‌پزشکان چون ویلیام آ<sup>۱</sup>، آلبرت هوارد<sup>۲</sup>، اف اچ کینگ<sup>۳</sup>، وستن آ<sup>۴</sup>، را نام برد (یان گلدین، ۱۳۷۹: ۲۵). در ارتباط با بررسی نقش دانش بومی در حل اختلافات محلی در روستاها تاکنون تحقیقی صورت نگرفته اما در ارتباط با نقش دانش بومی در زمینه‌های کشاورزی و زنان تحقیقاتی صورت گرفته که به چند مورد اشاره می‌شود.

ارفعی و زند (۱۳۹۰). در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر دانش بومی در مصرف بهینه آب در بخش کشاورزی، در نتایج بیان می‌کنند که میزان تأثیر عوامل اقتصادی در استفاده از دانش بومی مصرف بهینه آب در حد متوسط بوده است که در این راستا، میزان درآمد کشاورزان، بیمه محصولات کشاورزی در معرض خشکسالی، کمک‌های بلاعوض خشکسالی و تمدید بازپرداخت وام‌های خشکسالی دارای اهمیت زیادی بودند. نتایج تحلیل‌های آمار این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل آموزشی ترویجی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی با میزان استفاده از دانش بومی در جهت مصرف بهینه آب رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (ارفعی و زند، ۱۳۹۰: ۹۳).

بوذرجمهری و رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۴). پژوهشی تحت عنوان تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی انجام می‌دهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گرچه بین دانش بومی و رسمی تفاوت‌هایی وجود دارد، اما نباید آن‌ها را در مقابل هم قرار داد؛ زیرا آن‌ها مکمل یکدیگرند و از تلفیق آن‌ها می‌توان به موفقیت‌هایی رسید که برای هیچ‌کدام به تنهایی امکان‌پذیر نیست. بر اساس پارادیم‌های جدید توسعه روستایی به منظور حل مشکلات روستایی، ابتدا باید به راه حل‌های بومی رجوع کرد، اگر کارساز بود آن‌ها را تقویت و بهبود بخشید؛ در غیر این صورت از راه حل‌های بیرونی استفاده و آن‌ها را آزمایش کرد (بوذرجمهری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۷).

خاستگاه PRA (رابرت چمبرز) شیوه‌ای برای برنامه‌ریزی توسعه و روش بررسی و استنتاج مطابق منابع متفاوت است. که به سبب ویژگی شیوه مذکور، سوابق متعددی در زمینه کاربرد PRA وجود دارد.

صلیب سرخ جهانی در سپتامبر ۲۰۰۶ برای شناسایی بچه‌های معلول در روستای کیلیفی در کشور کنیا با استفاده از روش PRA مطالعاتی انجام داده است. نتایج نشان داد که علت ناتوانی در عدم فعالیت و محدودیت مشارکتی وابستگی روستاییان به اعتقادات سنتی و خرافاتی، ارواح خبیثه و مجازات‌هایی بود که از طرف خداوند نازل می‌شد. (Gona, 2006: 12)

هدایتی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان طرح توسعه کالبدی روستای اورامان با استفاده از روش PRA. به طور جزئی‌تر از روش‌های PRA در جهت انجام مطلوب تحقیق استفاده می‌کند. شایان ذکر است که تحقیق مذکور جزء اولین فعالیت‌هایی است که به طور جامع بر مسائل توسعه کالبدی روستایی اورامان با تأکید

1 William A

2 Albert HoWard

3 F. H. king

4 Waston A

بر ابعاد مشارکتی پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که توسعه فیزیکی کنونی که روستا در حال سپری کردن آن است (بر اساس یافته‌های حاصل از جلسات بحث) با وضع موجود دارای تفاوت می‌باشد؛ همچنین ضوابط بکار رفته در فضاهای عمومی و خصوصی و کاربری اراضی توسط ساکنان منطقه با شرایط محیطی و اجتماعی سازگار می‌باشد (هدایتی، ۱۳۸۷: ۱).

لشکری و همکاران (۱۳۸۶). در تحقیقی تحت عنوان ارزیابی مشارکتی تعاونی تولید روستایی با استفاده از رهیافت PRA «مطالعه موردی: تعاونی تولید فرزبان استان لرستان» نتیجه‌گیری می‌کنند که ارزیابی کشاورزان از تعاونی تولید با ارزیابی کارشناسان بیرونی متفاوت است. همچنین همانندی کاملی بین ملاک و معیارهای ارزیابی این دو وجود ندارد. تأثیرگذاری تعاونی بر نظام بهره‌برداری منطقه قابل توجه نیست. اما تعاونی در تولید کشت محصولات جدید مانند کلزا و چغندر قند در منطقه نقش داشته است. در تعاونی تولید مورد مطالعه، هم عنصر اقتصادی و هم عنصر اجتماعی در سطح بسیار نازلی قرار دارند و تعاونی را با دو چالش مهم، یکی چالش مشارکت و دیگری چالش مقبولیت و اعتماد مواجه ساخته است (لشکری و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۳).

### سؤال‌های تحقیق

در این پژوهش سؤالاتی مطرح می‌شود که هدف از تحقیق پاسخگویی به آنهاست مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱- آیا الگوی معتمدان محلی در حل و فصل اختلافات در مناطق روستایی مؤثر هستند؟ ۲- آیا بین پایگاه اجتماعی معتمدان محلی و حل اختلافات در مناطق روستایی رابطه معناداری وجود دارد؟

### فرضیات تحقیق

۱- از بین الگوهای حل اختلاف، الگوی معتمدان محلی در حل و فصل اختلافات در مناطق روستایی مؤثر تر از بقیه می‌باشد  
۲- بین پایگاه اجتماعی معتمدان محلی و حل اختلافات در مناطق روستایی رابطه معناداری وجود دارد.

### مواد و روش‌ها

روش تحقیق توصیفی تحلیلی از نوع کاربردی می‌باشد که به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از پیمایش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در پیمایش میدانی مصاحبه و پرسشنامه بوده است. جامعه آماری ۱۹۱۵ خانوار و حجم جامعه نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۲۰ خانوار انتخاب شده‌اند. بر اساس روش تخصیص مناسب، نسبت به تعداد روستاهای بالای ۵۰ خانوار، تعداد روستاهای نمونه، ۱۱ روستا انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار آماری SPSS و از آزمون‌های خی دو و ضریب همبستگی استفاده شده است. در این تحقیق مقدار آلفای مذکور توسط نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید که مقدار آن ۰/۲۲۳ می‌باشد و یک مقدار مطلوب از لحاظ آماری تلقی می‌گردد.

### حل اختلافات توسط معتمدان محلی بر اساس مدل PRA

فرآیند حل اختلاف توسط معتمدان در رابطه با جرایم مختلفی برگزار می‌شود و محدود به نوع یا انواع خاصی از جرایم نمی‌باشد. بررسی نحوه اجرای مردم‌داری در خصوص جرایم مختلف، تفاوت‌هایی را آشکار می‌سازد. به عنوان نمونه؛ نحوه‌ی عملکرد گردانندگان نشست‌های مردم‌داری در رابطه با جرایم عمد و غیر عمد بسیار جالب توجه می‌باشد. مثلاً در خصوص جرم غیر عمدی تصادفات رانندگی و جرم عمدی سرقت یا ضرب و جرح و ... برخورد مردم‌داری بسیار متفاوت است. این تفاوت‌ها مخصوصاً در نحوه جبران خسارت و نوع اقدامات تعیین شده به این منظور به چشم می‌خورد. چرا که در خصوص جرایم غیر عمدی، فردی که جرم در مورد او صورت گرفته گاه به صرف عذرخواهی از فرد خطاکار بسنده می‌کنند و برقراری آشتی میان طرفین را از همه چیز مهم‌تر می‌دانند و اگر هم دریافت مبلغ یا انجام خدمتی را قبول کنند، در همین راستا و برای نیل به همین مقصود می‌باشد. مثلاً در تصادفات رانندگی هزینه‌های درمان و بیمارستان و یا تعمیر ماشین و ... را می‌پذیرند و دریافت مازاد بر آن را نمی‌پذیرند. در ارتباط با دسته دیگر جرایم، یعنی جرایم عمد نیز به منظور جبران آثار سوء ناشی از جرم علاوه بر تعیین مبلغ و نیز انجام کار و خدمت، معمولاً مبلغی نیز بابت تضمین تعیین می‌شود که نقداً یا طی یک چک از فرد خاطی یا طایفه‌اش دریافت می‌شود تا وی را متعهد گرداند که دیگر مرتکب جرم نشود و طایفه‌ی وی را نیز ملزم می‌گرداند تا کنترل بیشتری بر وی داشته باشند. اما در مورد جرایم علیه اموال آن چه به منظور جبران آثار سوء جرم تعیین می‌شود بیشتر بعد مالی و مادی دارد، مثل پرداخت پول برای جبران خسارت وارده و یا برگرداندن مال در سرقت و یا خیانت در امانت. در جرایم علیه اشخاص علاوه بر بعد مادی، جنبه‌های دیگری همچون جبران زیان‌های روحی و معنوی نیز، حتی‌الامکان مدنظر قرار می‌گیرد، که برای نیل بدان اقدامات از قبیل عذرخواهی، پذیرش تمام و کمال مسئولیت جرم در حضور همگان و ... صورت می‌پذیرد. برگزاری جلسات مردم‌داری در خصوص جرایم علیه عفت عمومی، معمولاً یا نشست‌های مردم‌داری برگزار نمی‌شود یا جلسه به صورت محرمانه و با حضور تعداد محدودی تشکیل می‌شود. در جلسه تشکیل شده نیز، برگزارکنندگان خیلی در مورد اصل جرم صحبت نکرده و در صدد تعیین مقصر نمی‌باشند و بیشتر قصد فیصله فوری موضوع را دارند و در این راستا از هر دو طرف می‌خواهند تا خسارات احتمالی وارده به طرف متقابل را جبران کنند. جبران خسارات در مورد این جرم متفاوت می‌باشد چرا که مردم منطقه این جرم را که به آن عنوان جرایم ناموسی می‌دهند، معتقدند چون فرد، مرتکب عمل زشتی شده و موجبات بی‌آبرویی خود علی‌الخصوص خانواده و طایفه‌اش را فراهم آورده، خودش هم باید از عهده‌ی جبران آثار آن برآید. برای تشکیل نشست مردم‌داری در خصوص جرم قتل (عمد و غیر عمد)، مثل سایر موضوعات تقاضای خانواده قاتل و یا خانواده مقتول و یا طایفه آن‌ها و یا دعوت سایر بزرگان و ریش‌سفیدان از طرفین و قبول آن‌ها لازم و ضروری می‌باشد. جلسات مردم‌داری مربوط به قتل طولانی‌تر می‌باشد. چرا که خانواده مقتول و قاتل و سران طوایف، هر کدام بیشتر از سایر جلسات به بحث و گفتگو می‌پردازند. آن‌ها ضمن تأکید بر صلح و سازش، مبلغی نیز به عنوان خون‌بها به خانواده مقتول پرداخت می‌کنند تا ضمن جبران و التیام خسارات و آسیب‌های وارده به آن‌ها، زمینه‌ای فراهم آورد تا متضرران از جرم با رضایت بیشتری صلح و سازش را بپذیرند. در این مورد که قاتل در

اکثر قریب به اتفاق جلسات مردم‌داری قبل از آنکه شرکت در جلسه را پذیرفته باشد، مسئولیت ارتکاب جرم را پذیرفته و در جلسه نیز به آن اذعان می‌نماید. اما در بعضی موارد بدون اینکه فرد و یا طایفه‌اش مسئولیتی را قبول کنند صرفاً در جلسه شرکت می‌کنند تا موضوع به هر ترتیب فیصله یابد.

اجرای جلسات مردم‌داری دارای چندین مرحله است که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

- ارجاع موضوع به مردم‌داری: مردم‌داری اختصاص به موضوع یا موضوعات خاصی ندارد و در تمامی موضوعات حقوقی، انواع جرایم، موضوعات کیفری تشکیل و تصمیم‌گیری می‌کنند و در این فرآیند کافی است که یکی از طرفین تقاضا کند که جلسه مردم‌داری را تشکیل دهند. در صورت پذیرش طرف مقابل این جلسه در زمان، مکان و روزی خاص تشکیل می‌شود.

- چگونگی برگزاری نشست‌های مردم‌داری: پس از دعوت طرفین جرم، بزرگان و معتمدان آن‌ها و نیز بزرگان و سران سایر طوایف برای روز، ساعت و مکان معین، نشست مردم‌داری بدین شرح آغاز به کار می‌کند که در ابتدای جلسه پس از نام خداوند و ذکر آیاتی از قرآن کریم، یکی از ریش‌سفیدان میانجی مدیریت جلسه را عهده‌دار می‌شود؛ و از هر یک از طرفین درخواست می‌کند تا شکایت و دفاعیات خود را مطرح کند. پس از شنیدن صحبت‌های طرفین، بزرگان حاضر در جلسه در خصوص صحبت‌های ارائه شده به بحث و گفتگو پرداخته و ضمن مقصر بودن مجرم، اقداماتی را جهت جبران آسیب‌های وارده به فردی که جرم در مورد او صورت گرفته تعیین می‌نمایند. در این مرحله در صورت مورد قبول واقع شدن محتویات جلسه از سوی همه‌ی طرفین تمام مطالب مردم‌داری در یک سازش‌نامه درج و به امضای حاضرین رسیده و به مدیر جلسه تسلیم می‌گردد.

- نتایج نشست مردم‌داری: از آنجا که مردم‌داری از ابتدا با درخواست و مشارکت تمام طرفین آغاز می‌شود در خصوص نهایی کردن تصمیمات اتخاذ شده در جلسه نیز مشارکت فعال اعضا به چشم می‌خورد که اگر جریمه نقدی باشد فی‌المجلس پرداخت می‌شود و اگر مجرم از توانایی پرداخت برخوردار نباشد از حمایت افراد طایفه‌اش بهره‌مند می‌شود. بدین ترتیب مشاهده می‌شود برای جبران خسارت وارده در مردم‌داری اقداماتی به اشکال مختلف صورت می‌پذیرد.

علیرغم وجود اعتماد بی حد و حصر مردم به نهاد مردم‌داری و منصفانه تلقی نمودن نحوه رسیدگی‌ها و نتایج حاصله از آن از سوی همگان، مواردی که ناقض انصاف و عدالت است نیز ملاحظه می‌شود. کم توجهی و در برخی موارد بی توجهی به برابری طرفین در ارجاع به مردم‌داری و نگاه تبعیض‌آمیز به یکی از طرفین جرم در خلال رسیدگی، می‌توان از نمونه‌های نقض عدالت در نشست‌های مردم‌داری نام برد. البته باید اذعان کرد که چون صرف حضور در شال مردم‌داری برای هر یک از طرفین، افتخار بزرگی محسوب شده و نتایج و مزایایی را به همراه دارد، آن‌ها حاضرند در این راه از حصول به برخی حقوق خویش چشم‌پوشی نمایند. کمک به فرد مجرم در جبران خسارات همیشه در قالب پرداخت پول محدود نمی‌شود. بلکه برخی افراد معتمد و مورد قبول همگان، به این علت در فرآیند مردم‌داری حاضر می‌شوند که از اعتبار و وجهه خود برای کمک به مجرم استفاده نمایند.

یکی از کارکردهای مؤثر و مثبت جامعه محلی در فرآیند مردم‌داری، حمایت‌های مؤثر از فردی که جرم در مورد او صورت گرفته و مجرم می‌باشد. آنچه می‌تواند نقش حمایتی جامعه محلی را در ارتباط با بزه دیده در فرآیند مردم‌داری آشکار نماید، صحبت‌ها و دفاعیات بزرگان طایفه و خویشان وی در جلسه، در خصوص بیان جرم و آثار آن بر او و کمک به وی جهت دریافت جبران خسارات است. تعلق مردم به طایفه و قبیله‌ای خاص در منطقه سیستان، زنجیره‌ای از روابط در هم تنیده میان آنان به وجود آورده است. این ارتباط تنگاتنگ سبب شده تا افراد همواره از احوالات یکدیگر مطلع باشند. به نحوی که با پیش آمد کوچک‌ترین واقعه‌ای، همگان از وقوع آن مطلع می‌باشند. بنابراین ساختار قومی و قبیله‌ای این منطقه موجب شده تا حریم خصوصی به معنا و مفهومی که در جوامع مدرن و صنعتی مطرح است وجود نداشته باشد (یافته‌های میدانی، ۱۳۹۲).

### معرفی متغیرها و شاخص‌های تحقیق

جدول ۱: متغیرهای تحقیق (یافته‌های میدانی: ۱۳۹۳)

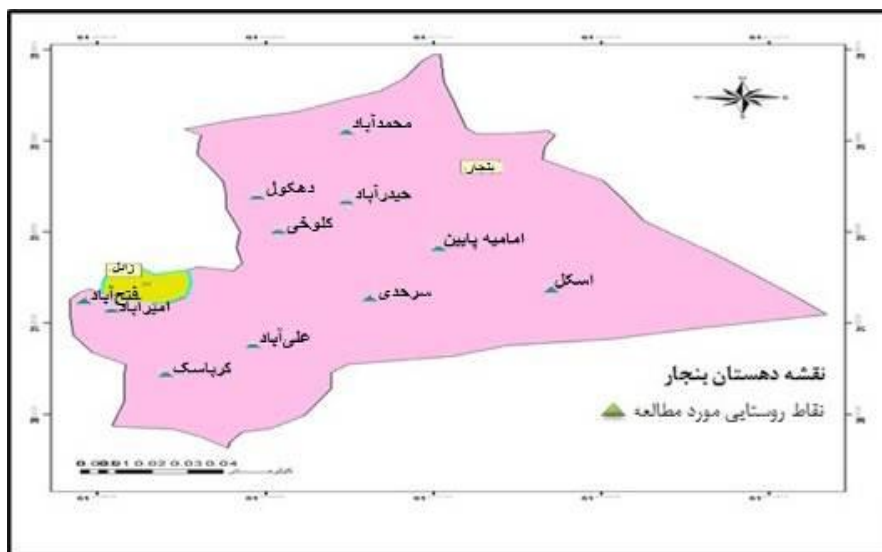
مؤلفه	بعد	مؤلفه	بعد
مالی	اختلافات	عهد و پیمان	اجتماعی
ملکی		حق و عدل	
زراعی		شرح صدر	
ناموسی		دلسوزی	
خانوادگی		حسن خلق	
نزاع		صمیمیت	
قتل			
دادگستری	الگوهای حل اختلاف	صلابت	
شوراهای حل اختلاف		صلاحیت	
		صداقت	
		اخلاقی	
معمندان محلی		تحمل و مدارا	
		طایفه‌گرایی	
		رضایت‌مندی	

جدول شماره ۱ به بررسی سه بعد تحقیق شامل بعد اجتماعی با ۱۳ مؤلفه، بعد اختلافات با ۷ مؤلفه و بعد الگوهای حل اختلاف با ۳ مؤلفه، می‌پردازد.



### معرفی محدوده مورد مطالعه

دهستان بنجار از شمال با شهرستان نیمروز و از جنوب با شهرستان‌های زهک و هامون و از شرق با رودخانه نیاتک و شهرستان هیرمند هم مرز است. این دهستان جزئی از شهرستان زابل می‌باشد، که در  $30^{\circ}55'$  تا  $31^{\circ}9'$  عرض شمالی و  $61^{\circ}30'$  تا  $61^{\circ}37'$  طول شرقی واقع شده است. متوسط ارتفاع از سطح دریای آزاد ۵۰۰ متر است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، ۱۲). مساحت تقریبی دهستان بنجار در سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۲۹۰ کیلومتر مربع است که از به هم پیوستن ۷۴ روستا تشکیل می‌شود (مهندسان مشاور برنامه ریزان پیشتان، ۱۳۸۸، ۱).



شکل ۱: محدوده مورد مطالعه (یافته‌های تحقیق: ۱۳۹۳)

### جدول ۲. روستاهای مورد بررسی دهستان بنجار (یافته‌های تحقیق)

ردیف	شهرستان	بخش	دهستان	روستا	خانوار	درصد	تعداد نمونه	
۱	زابل	مرکزی	بنجار	محمدآباد	۱۳۹	۷/۲۵	۲۵	
۲	زابل	مرکزی	بنجار	علی‌آباد	۱۲۶	۶/۵۷	۲۱	
۳	زابل	مرکزی	بنجار	سرحدی	۱۰۰	۵/۲۲	۱۶	
۴	زابل	مرکزی	بنجار	کرپاسک	۲۹۰	۱۵/۱۴	۴۸	
۵	زابل	مرکزی	بنجار	حیدرآباد	۱۸۲	۹/۵۰	۳۱	
۶	زابل	مرکزی	بنجار	فتح‌آباد	۱۷۷	۹/۲۴	۲۹	
۷	زابل	مرکزی	بنجار	امامیه پایین	۲۲۳	۱۱/۶۴	۳۷	
۸	زابل	مرکزی	بنجار	دهکول	۱۳۹	۷/۲۵	۲۵	
۹	زابل	مرکزی	بنجار	امیرآباد	۱۶۷	۸/۷۵	۲۷	
۱۰	زابل	مرکزی	بنجار	کلوخی	۲۰۵	۱۰/۷۰	۳۴	
۱۱	زابل	مرکزی	بنجار	اسکل	۱۶۷	۸/۷۵	۲۷	
جمع کل							۱۹۱۵	۳۲۰

## مبانی نظری

دانش بومی<sup>۵</sup> حاصل فرآیند یادگیری تجربه و آزمون و خطای چند هزار ساله یک جامعه در ارتباط با محیط پیرامون خود است. بدیهی است که این دانش بیانگر کنش و واکنش گروه‌های جماعت بشری با طبیعت بوده و آینه تمام‌نمایی از ویژگی‌های اقلیمی و خصوصیات طبیعی گیاهی و جانوری یک منطقه و از آن مهم‌تر، روابط متقابل آن‌ها با هم و با گروه‌های انسانی را ارائه می‌دهد و با در اختیار داشتن این اطلاعات ارزشمند که در هیچ آزمایشگاه دیگری قابل حصول نیست، می‌توان از طبیعت و عرصه وسیع تنوع زیستی مطلع شد، روابط اجزای آن را پیش‌بینی کرد و هوشمندانه از نیروی نهفته در آن بهره برد، به نحوی که هم تعادل موجود حفظ شود و هم نیازهای جامعه انسانی ساکن در آن تأمین گردد. از سوی دیگر، علاوه بر اطلاعات ارزشمند نهفته در دانش بومی، «شناخت شناسی» بومیان رابطه بین کارشناسان و مردم محلی را قوام خواهد بخشید که این امر با تحلیل عمیق دانش بومی و آشنایی نزدیک با شیوه نگرش و شناخت شناسی مردم محلی ممکن و میسر می‌گردد و شکاف گسترده و عمیق کارشناسان و پژوهشگران با مردم روستا نیز از این طریق ترمیم خواهد شد (امیری اردکانی و شاهولی، ۱۳۷۸).

برای دانش بومی نام‌های دیگری مانند دانش محلی، دانش فنی بومی، دانش سنتی و دانش مردم وجود دارد. اما اصطلاح دانش بومی بیش از همه به کار گرفته می‌شود (IIRR, 1996:7). دانش بومی که به وسیله وارن و کشمن مطرح شد عبارت است از مجموع تجربه و دانشی که یک جامعه در برخورد با مشکلات آشنا و ناآشنا به دست آورده و آن را اساسی برای تصمیم‌گیری‌ها و چالش‌های خود قرار داده است (waren, 1988).

دانش بومی به چند دلیل خوداتکایی و توانمندسازی جوامع روستایی را تشکیل می‌دهد: الف: مردم با شیوه‌های بومی آشنا می‌شوند، درک و کاربرد آن‌ها نیز بهتر و آسان‌تر از شیوه‌های غیر بومی است ب: دانش بومی از منابع محلی برخوردار است و نسبت به منابع بیرونی ارزان‌تر، فراوان‌تر و دسترسی مداوم به آن‌ها بیشتر است، از این رو اعتماد به نفس، توانمندی و تواناسازی را تقویت کرده و به پایداری جوامع کمک می‌کند. ج: دانش بومی در برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه، حق انتخاب بیشتری را فراهم می‌آورد (IIRR, 1996:5-7). د: جلب مشارکت مردمی (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۲۴).

فلاویر<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) دانش بومی را مبنای اطلاعاتی برای یک جامعه می‌داند که تسهیل‌کننده ارتباطات و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. وی بیان می‌کند که نظام‌های بومی اطلاعاتی پویا هستند و پیوسته به وسیله آزمایش و خلاقیت و همچنین از طریق تماس و ارتباط با نظام‌های بیرونی تحت تأثیر و تغییر قرار می‌گیرند. گرینیر<sup>۷</sup> (۱۹۹۸) ویژگی‌های زیر را برای دانش و نظام‌های دانش بومی در نظر می‌گیرد:

۱- نظام‌های دانش بومی، تجمعی و نشان‌دهنده تجارب، مشاهدات دقیق و آزمون و خطاهای چندین نسل است.

<sup>۵</sup>Indigenous technical Knowledge

<sup>۶</sup>Flavier

<sup>۷</sup>Grenier

۲- نظام‌های دانش بومی پویا است؛ یعنی دانش جدید پیوسته بر آن افزوده می‌شود. این قبیل نظام‌ها، علاوه بر ایجاد نوآوری از درون خود، دانش بیرونی را نیز برای متناسب ساختن با وضعیت محلی جذب می‌کند، مورد استفاده قرار می‌دهد و سازگار می‌نماید.

۳- همه اعضای جامعه روستایی، دانش بوم شناختی سنتی دارند.

۴- دانش بومی در فعالیت‌ها و حافظه مردم ذخیره می‌شود و در داستان‌ها، سرودها، فولکلورها، ضرب‌المثل‌ها، رقص‌ها، افسانه‌ها، ارزش‌های فرهنگی، باورها، آیین‌های مذهبی، قوانین اجتماعی، زبان و تاکسونومی محلی، رویه‌های کشاورزی، تجهیزات و مواد، گونه‌های گیاهی و نژادهای حیوانات اهلی تجلی می‌یابد (Purcell, 1998).

### دیدگاه‌های دانش بومی

علوم اجتماعی در قرون نوزدهم در قالب نژاد گرایی و تعصب، سهم زیادی بر نگرش‌های منفی نسبت به دانش بومی داشته است. در افریقا، میراث استعمار و نظام‌های آموزش غربی، کمک زیادی به این فرایند کرده است. امروزه، انتقاد از معرفت‌شناسی علمی غرب به طور فزاینده‌ای رشد کرده است. این انتقاد هم به وسیله مروجین دانش بومی و هم به وسیله پژوهشگران و فلاسفه صورت می‌گیرد. این انتقاد، آن بوده است که این معرفت، یک دیدگاه جهانی مکانیکی و کاهش پذیری دارد. امروزه دیدگاه‌های دانش بومی تغییر کرده است. ویلیام و همکاران (۱۹۹۱) به نقل از هوز دیدگاه‌های رایج دانش بومی را به سه دسته سری منطقی، سودمندگرایی و طبیعی تقسیم‌بندی کرده‌اند. واکنش نسبت به دانش بومی به وسیله پژوهشگران، صاحب‌نظران توسعه و سازمان‌ها بستگی به دیدگاه‌های آنان دارد (عربی، ۱۳۷۷: ۱۵).

جدول ۳. پاسخ به نظام‌های دانش بومی: سطوح دیدگاه‌ها و پاسخ‌های مرتبط با هر کدام از سطوح (عربی، ۱۳۷۷: ۱۵).

سطح دیدگاه	پاسخ‌های مرتبط با هر سطح
سری منطقی	مانع توسعه، خود کم بینی، شرمندگی، چشم‌پوشی، غفلت و غیر مفید بودن
سودمندگرایی	پذیرش و تصدیق اعتبار به طور جزئی، پرستش، شک گرایی
طبیعی	حس کنجکاوی، مطلوبیت یادگیری بیشتر

### دیدگاه‌های سنت‌گرا و مدرنیسم در دانش بومی

صاحب‌نظران در بیان دیدگاه‌های خود درباره توسعه و تکامل اجتماعی توجه خاصی به جوامع صنعتی می‌نمایند. این نظرات عمدتاً در برخورد متقابل بین سنت و مدرنیسم قرار دارد. امیل دورکیم صاحب نظر علوم اجتماعی به بیان دو مفهوم همبستگی مکانیکی و ارگانیکی در مقوله توسعه و تحولات اجتماعی می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه، جوامع غیر صنعتی و سنتی از همبستگی مکانیکی پیروی می‌کنند. در این همبستگی افراد بدون آگاهی و گوناگونی و تخصصی شدن و فقط بر اساس ضرورت‌های طبیعی به یکدیگر پیوسته‌اند و به همین دلیل همبستگی آنان

کورکورانه و مبتدی است اما در جوامع صنعتی بر اثر گوناگون شدن فعالیت اجتماعی و تخصصی شدن نهادها، افراد انسانی به مرحله‌ی والاتر و عالی‌تری از همبستگی دست پیدا می‌کنند که همبستگی ارگانیکی نامیده می‌شود. در این مرحله افراد آگاهانه و بر اساس انتخاب، روابط بشری میان یکدیگر را برمی‌گزینند و نهادهای جامعه به کنترل انسانی نزدیک‌تر می‌شود. اسپنسر در دیدگاه تکاملی خود معتقد بود که موجودات از حالت ساده و یکنواختی به حالت پیچیده و چندگانگی می‌رسند. اسپنسر درباره تکامل جامعه نظریات قاطعی ارائه می‌دهد. استدلال وی چنین است؛ صورت تکامل را می‌توان در حرکت جوامع ساده به سوی جوامع پیچیده مشاهده کرد. در دیدگاه نوسازی ردفیلد، به جوامع قومی و شهری در جریان دگرگونی اجتماعی بر می‌خوریم. بر این اساس جوامع قومی دارای ساختاری سنتی، شخصی، احساسی و در مقابل آن، جوامع شهری را قرار می‌دهد که دارای ساختار صنعتی و گروهی می‌باشد (رضوی، ۱۳۸۴: ۷۴).

بر اساس این طرز فکر، در کشورهای صنعتی، فکر رایج پذیرفته شده، اندیشه‌های نو و مدرنیسم است. سنت و دانش بومی و هر آنچه که مربوط به گذشته است مختص کشورهای عقب‌مانده بوده، و فاقد مطلوبیت و کارایی می‌باشد. به نظر می‌رسد که تقابل بین سنت و مدرنیسم ناشی از عدم شناخت ویژگی‌های سنت و مدرنیسم می‌باشد. سنت معادل کلمه Tradition است و در عربی به مفهوم راه، روش و طریق می‌باشد. بدین ترتیب، سنت به مفهوم راه و روش گذشتگان است که شامل اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و ... می‌باشد. بر اساس این تعریف سنت در مقابل مدرنیسم قرار نمی‌گیرد بلکه راهی است به سوی حرکت و پویندگی، از طرفی دیگر، قائل شدن به این مسئله که سنت مخصوص کشورهای در حال توسعه و جهان سوم است و مدرنیسم صرفاً به کشورهای صنعتی و پیشرفته تعلق دارد، این اندیشه اشتباه است. در سال ۱۹۸۷، مرکز دانش بومی برای کشاورزی و توسعه روستایی در دانشگاه ایوا در ایالات متحده آمریکا با هدف تشویق و حمایت از پژوهش بین رشته‌ای، آموزش و نیز ترویج دانشی که به توسعه کشورها کمک کند و به کاهش فقر و مشکلات زیست محیطی، افزایش برابری اجتماعی و تشویق خودکفایی و خوداتکایی با مشارکت اهالی هر سرزمین بینجامد، تأسیس شد (همان: ۷۵).

### رابطه دانش بومی و پست مدرنیسم

در ادبیات دانش بومی، دو جریان اصلی و مهم قابل مشاهده است، یکی به علم نژاد شناسی و دیگری به دانش فنی بومی مربوط می‌شود. متریک علم نژاد شناسی را شاخه‌ای از رشته زبان‌شناسی و زیر مجموعه‌ای از مردم‌شناسی معرفی و آن را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از مفاهیم، قضایا و تئوری‌های خاص یک گروه فرهنگی موجود در جهان هستی». نژاد شناسی بر این موضوع تأکید دارد که مردم چگونه پدیده‌های محیطی را فهمیده و تفسیر می‌کنند. این علم در زمینه کشاورزی، دنبال شناسایی دانش بومی کشاورزان در نظام‌های زراعی‌شان است. ابزارهایی که برای این منظور به کار گرفته می‌شوند عبارتند از: «طبقه‌بندی‌ها»، «طرح‌ها»، «اهداف» و مدل‌های تصمیم‌گیری، امروزه، بهره‌گیری از سنت‌های متعدد و متنوع و روش‌ها و ارزش‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان گفت که دوره پست‌مدرنیسم، عصر انتخاب‌های مداوم است. همه سنت‌ها و نیز همه‌ی افراد به جهت حق انتخاب و

دانشی که دارند، دارای اعتبارند. در این دوره، انفجار اطلاعات و دانش صرفاً در چهارچوب و محدوده دانش رسمی و کلاسیک تعریف نمی‌شوند بلکه دانش بومی اقشار مختلف جوامع روستایی نیز در زمینه‌های مختلف کشاورزی، پزشکی، و غیره به عنوان مکمل دانش رسمی مطرح است و از آن‌ها به عنوان لازمه توسعه یاد می‌شود. از این رو، پست‌مدرنیسم ترکیبی از تجربه، خلاقیت، تقلید و همچنین ترکیبی از گذشته (سنت)، حال (مدرن) و آینده را پیشنهاد می‌کند و بر این باور است که نه گذشته و تجربیات گذشته و مرسوم را، و نه حال و واقعیات اجتماعی و فنی امروزی را، نباید انکار کرد. این ضرورت، اهمیت دانش بومی در کمک به دانش جدید برای تطبیق آن با شرایط جامعه روستایی را مضاعف می‌کند. پست‌مدرنیسم درصدد است تا برای جبران چنین نقیصه‌هایی بر انگیزه‌های اجتماعی و مردمی تأکید بیشتری بگذارد تا بلکه بتوان از مزایای روش‌ها، اطلاعات، تجربیات، قابلیت‌ها، راه‌حل‌ها و استعدادهای بالقوه محلی مردم روستایی در جهت حل مشکلاتشان بهره‌گرفت (امیری‌اردکانی و شاه‌ولی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۲).

### دانش بومی و توسعه پایدار روستایی

با مطالعه توسعه و نظریه‌های توسعه روستایی در ارتباط با دانش بومی، در مجموع دو دسته پارادایم‌های قدیم و جدید توسعه روستایی مشاهده می‌شود. پارادایم‌های قدیم عموماً طرفدار توسعه برون‌زا در چهارچوب نظریه‌های نوسازی و راهبردهای برنامه‌ریزی «بالا به پایین» و ساختارهای «مرکز پیرامون» می‌باشند. بنابراین با دانش‌های بومی و مشارکت‌های مردمی مخالف بوده و آن‌ها را «نابخردانه» می‌پنداشتند. در صورتی که نظریه‌های جدید توسعه روستایی (که مبتنی بر عوامل و نهاده‌های درونی است) از مردم و دانش‌های بومی آنان حمایت می‌کند (بوذرجمهری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۶).

### حل اختلاف

«حل» یعنی باز کردن گره، گشودن، حل مشکل، ذوب کردن و گداختن. «اختلاف» به معنای نزاع و کشمکش، هرکسی را روشی غیر از راه و روش دیگری در کار و سخن، برگزیدن، عدم موفقیت، تردید کردن، سرپیچی و نافرمانی آمده است (ایزدی‌فرد و یوسفی‌آهنگرکلاپی، ۱۳۸۳: ۱۵).

### یافته‌های تحقیق

#### یافته‌های توصیفی

در این قسمت ویژگی‌های افراد مورد مطالعه در پرسشنامه که شامل: سن، جنس، تحصیلات و شغل می‌باشد مطرح شده است. ترکیب سنی پاسخگویان به ۵ گروه سنی طبقه‌بندی شده است ۹/۷ درصد در گروه سنی ۲۰-۱۵ سال، ۲۱/۲ درصد در گروه سنی ۳۰-۲۱ سال، ۳۱/۶ درصد بین ۴۰-۳۱ سال، ۲۷/۲ درصد بین ۵۰-۴۱ سال و ۱۰/۳ درصد بالاتر از ۵۰ سال را تشکیل می‌دهند. که حدود ۲۹/۷ درصد زنان و ۷۰/۳ درصد پاسخگویان را مردان تشکیل

داده‌اند. افراد پاسخ‌دهنده به پرسشنامه بر اساس گروه شغلی؛ ۲۰/۹ درصد بیکار، ۱۴/۷ درصد کشاورز، ۵/۳ درصد کارگر، ۳۳/۸ درصد کارمند و ۲۵/۳ درصد آزاد بوده‌اند. تحصیلات عمده افراد پاسخ‌دهنده (۵/۳ درصد) بی‌سواد، (۲۹/۷ درصد) ابتدایی، (۴۴/۴ درصد) متوسطه و (۲۰/۶ درصد) لیسانس بوده‌اند.

جدول ۴. فراوانی، میانگین وزنی و انحراف معیار شاخص‌های مورد مطالعه از نظر پاسخگویان (یافته‌های میدانی: ۱۳۹۳)

انحراف معیار	میانگین	مؤلفه	بعد
۰/۵۹۴۱	۳/۵۳	عهد و پیمان	اجتماعی
۰/۷۴۶۵	۳/۲۶	حق و عدل	
۰/۴۷۱۲	۳/۴۹	شرح صدر	
۰/۶۶۹۶	۳/۴۴	دلسوزی	
۰/۵۷۹۵	۳/۵۳	حسن خلق	
۰/۷۵۲۲	۳/۳۹	صمیمیت	
۰/۵۴۸۴	۳/۴۴	صلابت	
۰/۸۲۰۱	۳/۳۹	صلاحیت	
۰/۷۹۰۷	۳/۴۸	صداقت	
۰/۴۷۳۲	۳/۲۹	اخلاقی	
۰/۴۳۷۸	۳/۳۷	تحمل و مدارا	
۰/۵۳۶۰	۳/۴۳	طایفه‌گرایی	
۰/۱۶۸۹	۳/۴۶	رضایت‌مندی	

از بین مؤلفه‌های مورد مطالعه از بعد اجتماعی، مؤلفه‌های عهد و پیمان و حسن خلق با میانگین ۳/۵۳ بیشترین میانگین را به دست آورده‌اند و مؤلفه حق و عدل با میانگین ۳/۲۶ کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند.

### یافته‌های تحلیلی

به منظور پاسخ به سؤالات و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آمار استنباطی بهره گرفته شده است. آزمون‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: آزمون خی دو و ضریب همبستگی. مبنای یافته‌های تحلیلی پژوهش، مطالعات میدانی و اطلاعات پرسشنامه است، که در یک طیف پنج‌گزینه‌ای (طیف لیکرت) مورد پرسش واقع گردیده است.

### آزمون فرضیات

#### فرضیه اول

۱- از بین الگوهای حل اختلاف، الگوی معتمدان محلی در حل و فصل اختلافات در مناطق روستایی مؤثرتر از بقیه می‌باشد.

به منظور تعیین میزان تأثیر هر یک از الگوهای حل اختلافات از آزمون خی دو استفاده شده است.

جدول ۵: فراوانی مورد انتظار بر اساس آزمون خی دو (یافته‌های میدانی: ۱۳۹۳)

الگوهای حل اختلاف						اختلافات
معتمدان محلی		شوراهای حل اختلاف		دادگستری		
فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	
۱۰۶/۷	۱۳۳	۱۰۶/۷	۱۰۱	۱۰۶/۷	۶۴	مالی
۱۰۶/۷	۱۴۷	۱۰۶/۷	۹۵	۱۰۶/۷	۷۶	ملکی
۱۰۶/۷	۱۳۹	۱۰۶/۷	۹۴	۱۰۶/۷	۷۵	زراعی
۱۰۶/۷	۱۲۱	۱۰۶/۷	۱۳۹	۱۰۶/۷	۶۰	ناموسی
۱۰۶/۷	۱۵۱	۱۰۶/۷	۹۴	۱۰۶/۷	۸۷	خانوادگی
۱۰۶/۷	۱۴۹	۱۰۶/۷	۹۹	۱۰۶/۷	۷۴	نزاع
۱۰۶/۷	۱۵۵	۱۰۶/۷	۱۱۲	۱۰۶/۷	۷۵	قتل

با توجه به جداول ۵، فراوانی مشاهده شده نشان دهنده آن است که از بین الگوهای حل اختلاف، مردم برای حل اختلافات خود بیشتر به معتمدان محلی مراجعه می‌کنند؛ و این به معنای کم‌رنگ بودن سایر الگوهای حل اختلاف نیست، مردم روستاهای دهستان بنجار به دلیل طایفه‌گرایی و این که این شیوه حل اختلاف سال‌های طولانی است که در این مناطق اجرا می‌شود و جزء فرهنگ این منطقه است و همچنین سایر نهادهای دولتی به علت فاصله زیاد آن‌ها با روستاها و آشنا نبودن روستاییان با فرهنگ کاغذبازی دادگاه معمولاً ترجیح می‌دهند که اختلافات خود را به این شیوه حل کنند و دنبال کشش اختلافات نباشند.

جدول ۶: خی دو محاسبه شده (یافته‌های میدانی: ۱۳۹۳)

اختلافات	مالی	ملکی	زراعی	ناموسی	خانوادگی	نزاع	قتل
خی دو محاسبه شده	۳۹/۲۶۹	۲۶/۸۹۴	۲۹/۳۳۱	۳۲/۱۴۴	۱۴/۹۳۱	۲۵/۸۰۶	۱۶/۱۶۹
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

نتایج آزمون نیز تفاوت معناداری را به خوبی نشان می‌دهد. همچنین از آنجایی که مقدار  $p$ -value کوچک‌تر از  $(a=۰/۰۱)$  است فرض  $H_0$  رد می‌شود، بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد.

## آزمون فرضیه دوم

۲- بین پایگاه اجتماعی معتمدان محلی و حل اختلافات در مناطق روستایی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷: آزمون همبستگی (پایگاه اجتماعی معتمدان محلی و حل اختلافات، یافته‌های تحقیق: ۱۳۹۳).

مؤلفه	اجتماعی	حل اختلاف
پایگاه اجتماعی معتمدان محلی	۰/۴۳	ضریب همبستگی
	۰/۲۲۰	سطح معناداری
حل اختلاف	۰/۴۳	ضریب همبستگی
	۰/۲۲۰	سطح معناداری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد با توجه به اینکه سطح معناداری متغیرهای پایگاه اجتماعی معتمدان محلی و حل اختلاف کمتر از  $0/5$  ( $0/220$ ) و مقدار ضریب همبستگی  $0/43$  می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که بین پایگاه اجتماعی معتمدان محلی و حل اختلافات در نواحی روستایی رابطه معناداری وجود دارد، بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد. بدین معنی که چون معتمدان با روحیه‌ی مردمی برای اختلافات تلاش می‌کنند میزان مراجعه مردم به آن‌ها زیاد می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

در گذشته‌های دور قبل از تشکیل حاکمیت‌های مقتدر مرکزی، اختلافات حاصله بین افراد، اغلب از طریق قضاوت ریش‌سفیدان و یا بزرگان و روسای قبایل محلی، حل و فصل می‌گردیده در این شیوه، بیشتر از آنکه مهم باشد، چه کسی از چه قاعده یا قانونی تخلف کرده است از زاویه زیان و ضرر وارده به شخص مدعی و کیفیت جبران خسارات مجنی علیه، از طرف این بزرگان، نسبت به قضاوت و حل و فصل اختلافات اقدام می‌شد. علت مقبولیت رسیدگی توسط بزرگان و ریش‌سفیدان، مسئله منزلت محلی و به خصوص آشنایی طرفین می‌باشد که نزد ایشان رفته و نظر ریش‌سفید، برای ایشان حسب عرف محلی لازم‌الرعایه بوده است. بنابراین نشست‌های مردم‌داری به عنوان یکی از ساز و کارهای سنتی حل اختلافات، مورد احترام و اعتماد مردم شهرستان زابل می‌باشد. در این نشست‌ها به مدیریت بزرگان طوایف، ریش‌سفیدان و معتمدین قبایل و با مشارکت طرفین جرم و وابستگان و آشنایان آن‌ها، موضوع جرم بررسی و فیصله می‌یابد. نقاط قوت این روش عبارتند از: ۱- مشارکت: این روش مشارکت مردمی را در بر دارد چرا که در بسیاری از موارد، فردی که توسط معتمدان متعهد به پرداخت جریمه می‌شود ممکن است توان پرداخت این هزینه را نداشته باشد بنابراین بزرگان فامیل وی مقداری از این هزینه را از اعضای فامیل جمع‌آوری می‌کنند. ۲- اعتماد: اعتماد مردم به معتمدان یکی دیگر از نقاط قوت این روش است به دلیل اینکه مردم مسائل و مشکلات خود را صادقانه مطرح می‌کنند، معتمدان نیز با گشاده‌رویی و با حفظ اسرار آن‌ها، سعی در حل کردن اختلافات آن‌ها را دارند. ۳- ایجاد اخوت و برادری: از دیگر نکات حائز اهمیت این روش است. روستاها چون جمعیتشان کمتر است، مردم با همدیگر همسایه هستند، در صورتی که اختلاف پیش‌آمده سریع‌تر حل نشود ممکن است مسائل دیگری را به وجود آورد که قابل جبران نباشد ۴- نداشتن هزینه‌های دادرسی



(همانند دادگاه، شورای حل اختلاف) نیز نکته‌ای دیگری است که در این روش به آن توجه شده است. ۵- رسیدگی سریع، حفظ کرامت انسانی و حفظ اسرار مردم نیز از دیگر نکات مهم روش حل اختلاف توسط معتمدان محلی می‌باشد. ۶- تقویت و ترغیب اعضای جامعه که گرد هم آمده و در جریان یک روش مسالمت‌آمیز به حل تعارضات موجود در میان خود بپردازند و علاوه بر آن فردی که متحمل خساراتی شده به وضعیت ماقبل برگردد یا حداقل به آن نزدیک شود و حتی وضعیت زندگی آن‌ها در جهت بهبود متحول گردد، طرفین نیز به صلح و آشتی برسند و روند اصلاح فرد خاطی تسریع شده و در آینده، از تکرار جرم جلوگیری شود.

اما علیرغم وجود اعتماد بی حد و حصر مردم به نهاد مردم‌داری و منصفانه تلقی نمودن نحوه رسیدگی‌ها و نتایج حاصله از آن از سوی همگان، مواردی که ناقض انصاف و عدالت است نیز ملاحظه می‌شود. کم توجهی و در برخی موارد بی توجهی به برابری طرفین در ارجاع به مردم‌داری و نگاه تبعیض‌آمیز به یکی از طرفین جرم در خلال رسیدگی، می‌توان از نمونه‌های نقض عدالت در نشست‌های مردم‌داری محسوب نمود. به همین علت با نگاهی به جلسات مردم‌داری، مواردی یافت می‌شود که در آن هیچ‌گونه اثری از موازنه و تعادل میان طرفین جرم به چشم نمی‌خورد و گردانندگان جلسات صرف نظر از تمام این مسائل، صرفاً موضوع را جهت فیصله دادن دعوی به مردم‌داری ارجاع می‌دهند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان دهنده آن است که از بین الگوهای حل اختلاف، مردم برای حل اختلافات خود بیشتر به معتمدان محلی مراجعه می‌کنند؛ و این به معنای کم‌رنگ بودن سایر الگوهای حل اختلاف نیست، مردم روستاهای دهستان بنجار به دلیل طایفه‌گرایی و این که این شیوه حل اختلاف سال‌های طولانی است که در روستاها اجرا می‌شود و جزء فرهنگ این منطقه است و همچنین سایر نهادهای دولتی به علت فاصله زیاد آن‌ها با روستاها و آشنا نبودن روستاییان با فرهنگ کاغذبازی دادگاه معمولاً ترجیح می‌دهند که اختلافات خود را به این شیوه حل کنند و دنبال کشش اختلافات نباشند.

### پیشنهادات

- استفاده بهینه از ظرفیت‌های مردمی و توسعه مشارکت‌های عمومی در امور حقوقی و قضایی.
- توجه بیشتر به مشارکت جدی مردم در امر داوری و قضاوت جهت کاهش اختلافات در مناطق روستایی
- شناسایی معتمدان هر روستا و ارجاع پرونده‌هایی که در محاکم دولتی وجود دارد و در محدوده این روستاها هستند.
- تضمین قانونی اجرای احکام صادره از سوی معتمدان محلی.
- استفاده از تجربیات بزرگان و ریش‌سفیدان در زمینه‌های حل اختلافات توسط نهادهای دولتی.
- آموزش معتمدان (تلفیق روش سنتی و مدرن) به منظور کاهش نارضایتی مردم از رأی صادره توسط معتمدان.
- ارتباط نزدیک‌تر مسئولین نهادهای دولتی با معتمدان روستایی ضروری است.
- بالا بردن فرهنگ حقوقی مردم و تقویت باورهای دینی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و بلندمدت و همچنین تهیه بروشورها، کاتالوگ، کتاب و غیره.

- تشویق و ترغیب مردم روستا از طریق ارائه الگوهای عملی در زمینه‌های حل اختلاف توسط بزرگان و ریش-سفیدان برای کاهش پرونده‌های ورودی به محاکم دولتی.
- بیان مزایای مردم‌داری و صلح و سازش از طریق به نمایش کشاندن اختلافاتی که در مناطق دیگر توسط معتمدان حل شده است.
- توجه به مشارکت مردم و معتمدان که زمینه‌ساز ترویج فرهنگ غنی اسلامی از جمله فرهنگ اخوت، برادری، اصلاح ذات‌البین، تعاون و همکاری می‌باشد.

## منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، انتشارات نشر نی، تهران.
- ۲- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴). بررسی جامعه شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، زمستان.
- ۳- اردکانی، محمد و ابراهیمی، حمیدرضا (۱۳۷۴). آیا سنت گریزی به معنای طرد گذشته و قبول مدرنیسم است؟، پروژه دانشجویی کارشناسی ارشد، بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- ۴- ارفعی، معصومه و زند، آریتا (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر دانش بومی در مصرف بهینه آب در بخش کشاورزی، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۳.
- ۵- امیری اردکانی، محمد و شاه ولی، منصور (۱۳۷۸). مبانی و مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۴.
- ۶- ایزدی فرد، علی اکبر و یوسفی آهنگرکلایی، علی. (۱۳۸۳). ملاحظاتی پیرامون شورای حل اختلاف، دوره ۳۷، شماره ۷۶ (۳) فقه، صص ۳۱-۱۱.
- ۷- بوذرجمهری، خدیجه و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۴). فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱، بهار.
- ۸- پاپزن، عبدالحمید، حسینی، سید محمود، ازکیا، مصطفی و عمادی، محمدحسین (۱۳۸۶). تدوین مدل مفهومی حاصل از تلفیق دانش بومی و رسمی با استفاده از نظریه بنیانی به منظور دستیابی به رهیافت ترویجی مناسب «مطالعه موردی: منطقه بیلوار شهرستان کرمانشاه»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۵۸ (ویژه سیاست‌های کشاورزی)، صص ۱۷۶-۱۵۱.
- ۹- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۶). کاریز دستاورد دانش و فرهنگ بومی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۳۳، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

- ۱۰- چیت سازان، ز (۱۳۷۹). *ارزیابی روش‌های مشارکت مردمی در طرح تفکیک زباله از مبدأ در منطقه‌ی ۱۰ تهران*، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- رضوی، سید محمد (۱۳۸۴). *دانش بومی کشاورزی و منابع طبیعی و تطبیق آن با دانش نوین*، جهاد، سال بیست و پنجم، شماره ۲۶۹، پاییز.
- ۱۲- عمادی، محمد حسین و عباسی، اسفندیار (۱۳۷۸). *دانش بومی و توسعه پایدار روستاها؛ دیدگاه‌ی دیرین در پهنه‌ای نوین*، وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- ۱۳- عربی، قادر (۱۳۷۷). *کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار*، جهاد، سال هفتم، شماره ۲۰۵-۲۰۴.
- ۱۴- لشکری، محمود، آگهی، حسین و حمدحیدری، شکراله (۱۳۸۶). *ارزیابی مشارکتی تعاونی تولید روستایی با استفاده از رهیافت PRA (مطالعه موردی: تعاونی تولید فرزین استان لرستان)*، جهاد، شماره ۲۷۷، خرداد و تیرماه، صص ۸۳-۱۲۸.
- ۱۵- وزارت جهاد کشاورزی، (۱۳۷۸). *مقدمه‌ای بر کاربرد ارزشیابی مشارکتی در بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی دوره‌های آموزشی- ترویجی دام‌پروری (مطالعه‌ی موردی روستای گمرگان شهریار)*، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و برنامه ریزی، تهران.
- ۱۶- وزارت جهاد کشاورزی، (۱۳۷۸). *ارزیابی مشارکتی روستایی برای ترویج کشاورزی*، معاونت فنی و زیربنایی؛ پروژه بهسازی آبیاری با تسهیلات اعتباری بانک جهانی؛ ج ۲، بهمن ۱۳۷۸.
- ۱۷- هدایتی، صادق (۱۳۸۸). *طرح توسعه کالبدی روستای اورامان با استفاده از روش PRA*، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زابل.
- ۱۸- یعقوبی، ج (۱۳۷۹). *ارزیابی مشارکتی روستایی؛ یادگیری کنش گرانه از روستاییان*، مجله جهاد، سال نوزدهم، شماره ۲۳۵-۲۳۴، آبان و آذر.
- ۱۹- ناصری، پروانه (۱۳۸۱). *دانش بومی و ضرورت جمع آوری آن*، جهاد، سال بیست و دوم، شماره ۲۵۴، آذر و دی ۱۳۸۱.
- ۲۰- نوابخش، مهرداد، نظری، جواد و ایدر، نبی‌الله (۱۳۸۸). *تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی در بین روستاییان «مطالعه موردی: استان ایلام»*، فصلنامه علوم اجتماعی، سال سوم، پیش شماره هفتم، صص ۱-۲۰.

21- Adebo, simon(2000). **Participatory Rural Appraisal**. Addis Ababa. VOL.34,Pp1-34.

22- -Flavier, M.(1995). **Biological Dirersity and Indigenouse Knowledge**.

23- -Grenier, L. (1998). **Working with indigenouse knowledge: A Guide for Researchers** , DRC .

24- -Gona, Jk &Hartliy,s.(2006).**Using patticipatory Rural Appraisal(PRA) in the Identification of children with Disabilities in Rural kilifi, Kenya**, The International Electronic Journal of Rural and policy, September.

25- <http://it-robot.blogfa.com/post-24.aspx>

26- <http://sepehrdidar.persianblog.ir/post/39/>

27- Purcell, Trovor, W. (1998). **Indigenous knowledge and applied an thropology : Questions of definition and direction , Human Organization., 57(3) : 258-272.**

28- UNDP.(2002). **Traditional knowledge, Innovations and practicesIntroduction.**